

بررسی رابطه میان احساس ناامنی اجتماعی و مسئولیت‌گریزی شهروندی

مریم جوادی^۱، ملیحه شبانی^۲، علیرضا محسنی تبریزی^۳، ساسان ودیعه^۴

از صفحه ۱۳۷ تا ۱۵۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲

چکیده

زمینه و هدف: حس تعهد و مسئولیت یکی از شروط لازم برای تحقق شهروندی است، همچنان که در برابر حق شهروندی، تکلیف و وظیفه‌ای برای شهروند وجود دارد، متأسفانه با گذری در جامعه و مشاهده رفتارهای شهروندان در انجام وظایف شهروندی با مسئله روبه رشد مسئولیت‌گریزی مواجه می‌شویم، به طوری که به دور زدن، زنگ بودن و شانه خالی کردن نسبت به وظایف محوله نیز تعبیر می‌شود. این موضوع به‌ویژه در حوادث انسان‌ساز، مسائل شهری، مشارکت شهروندان، توسعه اجتماعی و مدیریت شهری از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین میزان احساس ناامنی اجتماعی و مسئولیت‌گریزی شهروندی در بین شهروندان تهرانی در سال ۱۳۹۹ انجام گرفته است.

روش تحقیق: پیمایش و جمع‌آوری داده‌ها با تکنیک پرسشنامه ساخت یافته و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای در بین شهروندان تهرانی بالای ۱۸ انجام پذیرفته است. حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران ۳۸۴ برآورد گردید، البته با توجه به شرایط پاندمیک و پیروس کرونا در زمان انجام تحقیق و محدودیت‌های موجود با ۳۵۶ پرسشنامه داده‌ها جمع‌آوری و تحلیل در نرم افزار SPSS انجام پذیرفته است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های توصیفی نشان داد که میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی در بین پاسخگویان، از حد متوسط بالاتر است. همچنین میزان احساس ناامنی اجتماعی از سطح متوسط بالاتر گزارش شد. رابطه بین میزان احساس ناامنی اجتماعی، آگاهی شهروندی و تحصیلات با میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی معنادار است. نتایج: مدل مسیر تحقیق نشان می‌دهد که احساس ناامنی اجتماعی (با ضریب ۰/۲۰)، میزان آگاهی شهروندی (با ضریب ۰/۲۴-) و تحصیلات (با ضریب ۰/۲۳-) از عوامل تأثیرگذار بر میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی است.

کلید واژه‌ها: مسئولیت‌گریزی، شهروندی، احساس ناامنی اجتماعی، ابعاد ناامنی اجتماعی.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.

ایران. maryam.javadi@srbiau.ac.ir

^۲ دانشیار گروه توسعه و سیاستگذاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول. mshiani@ut.ac.ir

^۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. mohsenit@ut.ac.ir

^۴ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران. s.vadiea5@gmail.com



مقدمه و بیان مسئله

در دهه‌های اخیر شهروندی از یک مفهوم حقوقی به یک فرایند اجتماعی تبدیل شده است، فرایندی که در آن شهروندان در قبال حقوقی که برای آنان در نظر گرفته می‌شود، دارای وظایف و تکالیفی نیز می‌گردند. وجود وظیفه در انجام یا خودداری از عملی که ممکن است در اثر مقررات قانونی و یا روابط اجتماعی به وجود آمده را شامل می‌شود، که این وظایف از فعالیت‌های اجتماعی مجزا نبوده و قابل تفکیک نمی‌باشد. همچنین طبق تعریف مارشال شهروندی یک منزلت است که به آنهایی که عضو کامل یک اجتماع هستند اعطا می‌شود. همه کسانی که دارای این منزلت هستند در حقوق و وظایف برابرند (مارشال^۱ به نقل از لیستر^۲ ۱۹۹۷: ۸). از طرفی داشتن هر حقی، مستلزم داشتن حس تعهد و حس مسئولیت برای آن حق هست و فراهم شدن شرایط و زمینه‌های عینی برای تحقق شهروندی لازم و ضروری ولی کافی نیست. زیرا برای تحقق کامل شهروندی ایجاد زمینه‌هایی برای شرایط ذهنی نیز باید فراهم شود. شهروندی که بدون آگاهی ذهنی از برخی حقوق سیاسی، مدنی و یا اجتماعی برخوردار شود، هیچگاه در مقابل آن احساس تعهد و وظیفه نمی‌کند. چون آگاهی لازم را ندارد که چرا از این حقوق برخوردار گشته و چه وظایفی در قبال این حقوق دارد؟ مسئولیت شهروندی را می‌توان به خودآگاهی مردم به حقوق شهروندی و احساس نیاز همگانی برای اجرای این حقوق و مشارکت در آن تعریف و تعبیر کرد (نوروزی؛ ۱۳۸۵: ۱۵).

همان‌گونه که می‌دانیم احساس امنیت اجتماعی در هر جامعه، یکی از بزرگترین نیازهای اساسی آن جامعه به شمار می‌رود، عوامل مختلفی ممکن است در سطوح خرد و کلان، انسان‌ها را به لحاظ اخلاقی، روانی و اجتماعی در معرض تهدید قرار دهد به گونه‌ای که آنها را از انجام عملکردها و نقش‌های بهنجار خود ناتوان ساخته و در برآورده شدن نیازهای ضروری آنها موانعی ایجاد کند (نویدنی، ۱۳۸۲: ۶۱). از این رو این سوال را برای محقق ایجاد می‌شود؛ چه عملگره‌هایی در تعامل میان شهروند و حس امنیت او می‌تواند وجود داشته باشد تا او را شهروندی مسئول در نظر گرفت، و یا با احساس ناامنی در اجتماع پیرامون خود شهروندی منفعل و مسئولیت‌گریز شود؟ مسئولیت شهروندی که امروزه علی‌رغم آموزش‌های شهروندی، برنامه‌های کلان مدیریت شهری، رسانه‌ها و در دسترس‌تر شدن منابع مطالعاتی، متأسفانه به‌طور مطلوب صورت نمی‌پذیرد. همچنان‌که با گذری در شهر و مشاهده روابط اجتماعی زندگی شهری و حتی گاه امورات اداری می‌توان شاهد مسئولیت‌گریزی‌های متعدد بود. در واقع هدف اصلی این مقاله بررسی رابطه بین احساس ناامنی اجتماعی و مسئولیت‌گریزی شهروندی است. بر همین اساس پرسش اصلی تحقیق که این مقاله بر اساس آن تدوین یافته عبارت است از: آیا بین احساس ناامنی اجتماعی و مسئولیت‌گریزی شهروندی رابطه معناداری وجود دارد؟ افزون بر آن مطالعه رابطه میان ابعاد ناامنی اجتماعی (نامنی

¹ Marshall

² Lister



عمومی، اقتصادی، قضایی و سیاسی) و مسئولیت‌گریزی شهروندی بخش دیگری از اهداف تحقیق بوده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

امنیت در جامعه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی محسوب می‌شود. همچنانکه در گزارش سالانه سازمان ملل از وضعیت توسعه انسانی، امنیت انسانی در کنار شاخص‌های روندهای جمعیتی، وضعیت نظام سلامت و آموزش، درآمد سرانه، پایداری زیست محیطی، اشتغال و مهاجرت بین‌المللی به عنوان یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های تشکیل دهنده توسعه انسانی در یک کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، در این گزارش احساس امنیت در کنار شاخص‌های کیفیت آموزش، کیفیت سلامت، استاندارد زندگی، انتخاب آزاد، رضایت از زندگی، شغل ایده‌آل، اعتماد به دولت‌های ملی، فعالیت‌های حفظ محیط زیست و اعتماد به نظام قضایی به عنوان یکی از شاخص‌های رفاه اجتماعی در نظر گرفته شده است (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۱۶). پس همچنانکه در گزارش توسعه انسانی اشاره شد، امنیت اجتماعی بر شاخصه‌های توسعه انسانی مهم بوده و توسعه شهری و شهروندی نیز دارای ابعادی مشابه از توسعه انسانی است. برای ایجاد چنین توسعه‌ای، حقوق و انجام وظایف و تکالیف شهروندی ضروری است. یک شهر توسعه یافته و فعال بدون شهروند مسئول چگونه ممکن است؟ پس آنچه بر اهمیت این تحقیق می‌افزاید میزان آسوده خاطر بودن و احساس امنیت یک شهروند در جامعه و شهری است که زندگی می‌کند و مسبب تعهد به وظایف شهروندی‌اش می‌شود. به عبارتی شهروندی که فعال است، مشارکت‌جو است، تکلیف و وظایف خود را می‌داند و عمل می‌کند، از امنیت اجتماعی و حمایت سازمان‌ها، نهادها و بطور کلی حکومت آسوده خاطر است. در این نوشتار که احساس ناامنی اجتماعی در چهار بُعد ناامنی عمومی، اقتصادی، قضایی و سیاسی مورد نظر است و رابطه آن با میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی سنجش می‌شود بر اهمیت موضوع می‌افزاید.

پیشینه تجربی تحقیق

نتایج پژوهش هزار جریبی و صفری شالی (۱۳۸۹)، با عنوان «بررسی تعامل دو مفهوم شهروندی و امنیت اجتماعی»، نشان می‌دهد که برای شکل گرفتن امنیت اجتماعی در جامعه، لازم است که شهروندی تعریف و رعایت گردد. این تحقیق در بین ساکنین ۱۶ تا ۶۵ ساله شهر قزوین با تعداد ۴۰۰ نفر پاسخ‌گو انجام پذیرفته است. در ارتباط با نقش مسئولیت شهروندی در ایجاد احساس امنیت، این تحقیق نشان می‌دهد که تحقق امنیت اجتماعی (در دو بعد عینی و ذهنی) در جامعه نیازمند دو عنصر حقوق افراد و تکالیف آنان است. شهروندی شامل مسئولیت‌پذیری شهری، قانون‌مند بودن شهروندان و هنجارپذیری از الگوها می‌شود. شهروندی یک ضرورت اجتماعی است که به صورت سازه اجتماعی ناشی از بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه همراه با تنوع فرهنگ‌ها،



معانی مختلفی را در جامعه شکل می‌دهد. بر این اساس به طور کلی شهروندی و امنیت اجتماعی یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل (دولت بر مردم و مردم بر دولت) تلقی می‌شود.

تحقیق ابراهیمیان و لطفی (۱۳۹۸)، با عنوان مطالعه «رابطه حقوق شهروندی با امنیت اجتماعی» به صورت پیمایشی و با حجم نمونه ۴۰۰ نفر در بین شهروندان ۱۵-۶۵ سال کلانشهر تهران انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که بین حقوق شهروندی و ابعاد آن (حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی) با امنیت اجتماعی رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد. همچنین نتایج مدل رگرسیون نیز بیانگر آن است که ۲۷ درصد از تغییرات یا واریانس امنیت اجتماعی توسط سه متغیر حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی قابل تبیین است. همچنین قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر امنیت اجتماعی به ترتیب متغیرهای، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و حقوق مدنی هستند.

جین جکوبز^۱ (۱۳۸۶)، در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» به مسئله امنیت و عواقل بازدارنده فضایی و کالبدی شهرها و محله‌ها اشاره می‌کند. وی بیان می‌کند که آرامش فضای شهری از ابتدا به وسیله پلیس ایجاد نمی‌شود ولی با حضور پلیس تأمین می‌شود. آرامش فضای شهری ابتدا به وسیله شبکه ناخودآگاه و پیچیده اجتماعی و استانداردهای موجود میان مردم حفظ می‌شود. بنابراین، به منظور برقراری آرامش و امنیت فضاهای شهری و برقراری امنیت ابتدا بایستی به شبکه اجتماعی مناسب مردمی و سپس به جایگاه پلیس توجه داشت.

پلنت ریموند^۲ (۲۰۰۳)، در مقاله «شهروندی و امنیت اجتماعی» به دنبال روشن کردن ایده شهروندی است که در پشت اصلاحات رفاهی دولت نهفته است. از طرفی هیچ اظهار نظر روشنی هم از طرف دولت در این زمینه صورت نگرفته است. این مقاله تلاش کرده تا از نظر تاریخی به بررسی ایده‌های شهروندی در فرضیه توسعه دولت رفاه انگلیس بپردازد. ادعا می‌شود که دو رویکرد کاملاً متفاوت در این راستا وجود دارد که باید تشخیص داده شود: یکی شهروندی (تابعیت) را یک وضعیت اساسی می‌داند که به نوبه خود مبنای استحقاق است و دیدگاه دیگر که شهروندی (تابعیت) آن چیزی است که باید توسعه یابد، یا به دست آید. در این راستا به طور معمول با مشارکت در بازار کار و اجرای تعهدات، این تمایزات برای ارزیابی برخی از اصلاحات رفاهی و نشان دادن منابع احتمالی دشواری و تنش در آینده، به صورت تحلیلی استفاده می‌شود تا آنجا که دولت از این دیدگاه تعهد مدارانه شهروندی استقبال می‌کند.

توماس کوتکاس^۳ (۲۰۱۰)، در مقاله «حاکمیت بهداشت و امنیت اجتماعی در قرن بیست و یکم: شهروندی فعال از طریق حق مشارکت» به نقش حقوق فردی در تولید شهروندی فعال پرداخته شده است. در سال‌های اخیر، مفهوم «شهروندی فعال» به یک موضوع تحقیق در علوم سیاسی و

¹ Jane Jacobs

² Plant Raymond

³ Kotkas

اجتماعی تبدیل شده است. مطالعاتی که از سنت حکومتی فوکو استفاده می‌کنند، به‌خصوص به گفتمان‌ها و شیوه‌های مختلف جامعه که از طریق آن‌ها شهروندی فعال تولید می‌شود، علاقه‌مند بوده‌اند. با این حال، در این مطالعات نقش قانون و حقوق نادیده گرفته شده یا حتی رد شده است. بنابراین هدف این نوشتار این است که نشان دهد برخی از حقوق رویه‌ای، به‌ویژه حق شرکت، یک فن‌آوری حقوقی مهم در تولید تابعیت فعال را تشکیل می‌دهد. این تحلیل بر اساس تحولات اخیر در قانون مراقبت‌های اجتماعی و بهداشتی فنلاند است. همچنین ادعا می‌شود که علی‌رغم موضوع ظاهراً همگرا، نظریه‌های جاری یورگن هابرماس در مورد «الگوی آیین دادرسی قانون» چارچوبی معنادار برای پرداختن به رابطه بین شهروندی فعال و حقوق آئین دادرسی ارائه نمی‌دهد، زیرا این امر مبتنی بر برداشت ذهنی است.

نوروزی و فولادی (۱۳۸۸)، «بررسی احساس امنیت زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، نیز نشان داد که، بین محل سکونت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و احساس نظم اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. بنابراین به منظور برقراری احساس امنیت زنان بایستی به عوامل اجتماعی نیز توجه داشت.

لهستانی‌زاده (۱۳۹۱)، در مقاله «نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه نشین» در ارتباط با مسئولیت و وظایف شهروندی، مطرح می‌کند، از جمله مسائل اساسی جامعه کنونی ما، قانون‌گریزی در عرصه‌های مختلف جامعه به‌خصوص در زندگی شهری و قوانین شهروندی است. این امر موجب شده است که بخش اعظم برنامه‌ریزی‌های شهری و اجتماعی به نتایج مطلوب و مورد انتظار نرسد.

با ارزیابی مطالعات و مقالات بررسی شده با در نظر داشتن موضوع مسئولیت‌گریزی شهروندی می‌توان دریافت تا کنون تحقیقی با موضوع ناامنی اجتماعی و مسئولیت شهروندی انجام نشده است. از این‌رو مطالعه در خصوص مسئولیت‌گریزی شهروندی و بررسی عوامل مؤثر بر آن از این جهت اهمیت می‌یابد که چنین تحقیقاتی دارای نتایج کاربردی خواهد بود و به ارائه راه‌کارهایی جهت انجام وظایف، تکلیف شهروندی و توسعه مدیریت شهری منجر می‌شود. در این میان مشارکت شهروندان، فعال بودنشان و نیز مسئولیت‌پذیری شهروندان در کلان‌شهرها برای متولیان سیاسی، امور شهری، امنیتی و اجتماعی جامعه از حائز اهمیت خواهد بود؛ چرا که از دیرباز آگاهی نسبت به این واقعیت وجود داشته که نطفه پدیده‌ها، رخدادها، کنش‌های جمعی و بحران‌ها، غالباً نیاز به تعهدات شهروندان و انجام وظایف و تکالیف شان دارد (مطالعات نگارندگان).

مبانی نظری

ابعاد و مفهوم شهروندی

با گسترش شهرنشینی و مهاجرت به شهر، ازدیاد جمعیت شهری در مناطق مختلف، ورود تکنولوژی و وضع مقررات و قوانین در اجتماع بزرگ انسانی جهت حفظ نظم و برقراری امنیت، مفاهیمی چون شهروندی و حقوق شهروندی تولد یافتند و صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه‌های



مختلف علوم به مطالعه و گسترش این مفاهیم شهری پرداختند. به طوری که مفهوم شهروندی اگر چه دارای یک تاریخ طولانی است، اما هنوز هم مبهم و مسئله‌دار است. یونگ استدلال می‌کند که شهروندی در حقیقت مجموعه‌ای از ارتباطات عمومی بین مردمی است که می‌خواهند از حالت طبیعت یعنی حالتی که زندگی به صورتی منزوی، فقیرانه، به دور از پاکیزگی و حیوانی جریان دارد، اجتناب ورزند. از این‌رو، شهروندی نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقای رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند (مکالاکین، ۲۰۰۸: به نقل از ابراهیمیان).

همچنین موریس جانوویتز^۱ (۱۹۷۸) با مرور تاریخی بر مسئله شهروندی و بررسی کاربردهای مختلف آن توسط رهبران، روشنفکران و افراد عادی سه گونه تعریف را از هم تفکیک می‌کند: ۱- شهروندی به صورت یک واژه توصیفی، تجربی- عینی شامل مجموعه تعهدات و حقوق مشخص واگذار شده به افراد شایسته بر یک دولت خاص مثل دولت- شهرهای دوران باستان و دولت- ملت در دوره معاصر. ۲- شهروندی به صورت یک قضاوت اخلاقی دربرگیرنده مجموعه اخلاق و خصایل فردی به عنوان یک شهروند خوب و واقعی. ۳- شهروندی به صورت یک واژه تحلیلی مشتمل بر حمایت دولت از اعضای خود، ایجاد فرصت‌هایی از طرف دولت برای اعضا در زمینه مشارکت سیاسی. یا از دیدگاه مارشال شهروندی نوعی منزلت اجتماعی است که جامعه آن‌را به تمامی اعضا اهدا نموده و به موجب آن تمامی افراد از جایگاه، وظایف و حقوق برابر که توسط قانون حمایت و تثبیت شده برخوردارند (توسلی و نجاتی، ۱۳۸۲: ۴۰).

در بحث فرهنگ شهروندی سه نوع حقوق شهروندی از دید مارشال تعریف شده است، از نظر وی، این سه بعد شهروندی عبارتند از: ۱) حقوق مدنی و شهروندی مدنی، عبارت از حقی که امکان تملک دارایی‌ها، التزام به قراردادها، آزادی‌های حزبی و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می‌کند. ۲) حقوق سیاسی و شهروندی سیاسی عبارت است از حقوقی که امکان مشارکت مردم را در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات فراهم می‌کند. ۳) حقوق اجتماعی و شهروندی اجتماعی عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از فرد و خانواده‌های آسیب‌پذیر را به منظور ایجاد تعادل در زندگی رفاهی آنها فراهم می‌آورد که شامل کمک‌های مالی و رفاهی به افراد کهنسال، معلول و افراد و خانواده‌های بیکار، فراهم آوردن شرایط مساوی بهره‌مندی امکانات آموزشی، مسکن و سلامتی برای همه اعضای جامعه است، (فتحی و ثابتی، ۱۳۹۱: ۱۷۳). همچنین یوان هیرت و آلن سیزر^۲ در تحلیل ابعاد شهروندی بیان می‌کنند که شهروندی دارای چهار بُعد است: بعد مدنی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی- اقتصادی و بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی. بُعد مدنی شهروندی به شیوه زندگی شهروندان که به طور معمول در راستای اهداف آزادمنشانه جامعه است، اشاره دارد. بعد سیاسی شهروندی به طور عمده، شامل حق رأی و مشارکت سیاسی شهروندان است. بعد اجتماعی و اقتصادی شهروندی به ارتباط بین افراد در یک

^۱ Morris Janowitz

^۲ Herbet & Sears

موقعیت اجتماعی و همچنین به مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد (به نقل از فتحی و آرازگاه، ۱۱-۱۲: ۱۳۸۸).

پس می‌توان گفت جذابیت شهروندی صرفاً به خاطر منفعتی نیست که به فرد می‌رساند. شهروندی همواره یک ایده دوجانبه و بنابراین یک ایده اجتماعی است. این ایده نمی‌تواند صرفاً مجموعه حقوقی باشد که فرد را از تعهد به دیگران رها کند. حقوق همیشه به چارچوبی برای پذیرششان و مکانیسم‌هایی برای تحققشان نیاز دارند. چنین چارچوبی، که شامل دادگاه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و پارلمان‌ها می‌شود، بدان نیاز دارد که همه شهروندان وظیفه خود را در حفظ آن ایفا کنند. این بدان معنی است که شهروندی علاوه بر حقوق بر وظایف و تعهدات نیز دلالت دارد. در واقع این قابل تصور است که جامعه بتواند بدون بیان رسمی حقوق بدرستی کار کند، اما به سختی می‌توان وجود یک جامعه انسانی با ثبات را بدون وجود حس تعهد میان اعضایش تصور نمود. بنابراین شهروندی مبنای عالی برای اداره امور انسان به شمار می‌رود (فالکس، ۱۴: ۱۳۹۰). همچنان که برای اداره این امور و ایجاد یک جامعه انسانی با ثبات، وجود امنیت از سطوح صلی و اولیه می‌باشد، و در واقع احساس امنیت بستری است که شکل‌گیری جوامع انسانی را ایجاد و تداوم می‌بخشد و همچنین لازمه تحقق شهروندی و توسعه اجتماعی است.

همان‌طور که گیدنز مطرح می‌کند، امنیت را می‌توان موقعیتی خواند که در آن یک رشته خطرهای خاص، به حداقل رسیده یا با آن‌ها مقابله می‌شود. به این ترتیب گیدنز، مصونیت در برابر خطر را امنیت نامیده است. در نظر او خطر و امنیت دو روی یک سکه را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای که وقتی امنیت وجود دارد، خطر رخت بر می‌بندد و بالعکس، هنگام دست و پنجه نرم کردن با خطر، امنیت مغشوش و پنهان است. امروزه امنیت پدیده‌ای چند بُعدی در نظر گرفته می‌شود که دامنه وسیعی از مفاهیم از جمله امنیت فیزیکی-مالی، امنیت روحی-روانی و احساس امنیت نسبت به آینده را در بر می‌گیرد، مفاهیمی که به تدریج در زندگی مردم اهمیت قابل توجهی یافته‌اند و در تعامل با سایر وجوه توسعه اجتماعی اهمیتی مضاعف به خود گرفته‌اند (شی هان، ۱: ۲۰۰۵).

شعبانی نیز، امنیت اجتماعی را غالباً به امنیت شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی تقسیم می‌کند. امنیت شغلی، یعنی ایجاد آرامش و آسایش برای انسان از طریق تأمین شغل در برابر تلاش عادلانه او. امنیت اقتصادی، یعنی ایجاد آن چنان نظمی در اجزا و بخش‌های اقتصادی جامعه که افراد را از احساس خطر نسبت به کمبود و فقدان لوازم و امکانات اساسی مورد نیاز فرد مصون دارد. امنیت سیاسی، یعنی امکان اظهار نظر افراد، پیرامون چگونگی اداره امور جامعه و شرکت در این گونه امور بدون احساس بیم، هراس، خطر و تهدید. امنیت قضایی، نوعی «مصونیت قضایی» شهروندان مطرح می‌شود که آنان را از هرگونه تجاوز و تعرضی نظیر: قتل، ضرب و جرح، حبس، شکنجه‌های روحی و جسمی، و سایر مجازات‌های غیر قانونی و به تعبیر دیگر، هر عملی که منافی شئون و حیثیت انسانی او است، نظیر فحشا، بهره‌کشی و ... که براساس موازین، منطقی و قانونی نباشد، در امان می‌دارد. در واقع امنیت اجتماعی یک موضوع هویتی و نوعی تئوری مطرح در



سیاست داخلی کشورها و حتی روابط بین‌الملل است. بنابراین امنیت اجتماعی بیشتر با مفهوم هویت اجتماعی در ارتباط است. هویت اجتماعی به مجموع ویژگی‌هایی گفته می‌شود که فرد به واسطه آن‌ها خودش را به عنوان عضو یک گروه قلمداد می‌کند و احساس همبستگی و اعتماد نسبت به آن دارد. نتیجه این که امنیت اجتماعی را می‌توان چنین تعریف نمود «عدم ترس، خطر و هراس در حفظ و نگهداری ویژگی‌های مشترک و احساس اعتماد به گروه» (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰).

همچنین در صورت‌بندی تکالیف و مسئولیت شهروندی می‌توان به وظیفه مشارکت، پرداخت مالیات، اطاعت از قانون، ابراز وفاداری مشروط و حمایت مقید از نظام سیاسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، فرمان‌شکنی مدنی (اعتراض و انتقاد مسالمت‌آمیز) و مانند این‌ها اشاره کرد. که از نظر جانوسکی^۱ این وظایف و تکالیف ذیل تعهدات شهروندی و از منظر مارشال در سه دسته مدنی، سیاسی و اجتماعی قابل تفکیک است. همچنین جانوسکی تعهدات شهروندی را بدین شرح آورده است:

- الف) تعهدات حمایتی^۲: شامل پرداختن مالیات، کمک کردن به صندوق‌های بیمه و کار مولد.
- ب) تعهدات مراقبتی^۳: نسبت به دیگران و خود، نیازهای شخصی و احترام به حقوق دیگران، مراقبت از کودکان، خانواده توأم با عشق، احترام به خود از طریق دنبال کردن آموزش، شغل و مراقبت‌های پزشکی کافی.
- ج) تعهدات خدماتی^۴: شامل استفاده از خدمات موثر که در حقیقت خدمات کمکی می‌باشند، و شامل اسم‌نویسی برای رأی دادن، مراقبت‌های بهداشتی سالمندان، داوطلب آتش‌نشانی شدن، و یا خدمت به جوانان می‌باشد.
- د) تعهدات حفاظتی^۵: شامل خدمت در نیروهای مسلح، حفاظت از پلیس، خدمت وظیفه عمومی برای حفاظت از کشور یا مراقبت از زخمی‌ها، فعالیت‌های اجتماعی و به طور کلی حمایت از یکپارچگی نظام دموکراتیک از طریق خدمت، اعتراض و یا تظاهرات اجتماعی می‌باشد (جانوسکی، ۱۹۹۸: ۵۴).

در جمع‌بندی نظریه‌های ارائه شده، یونگ، شهروندی را مجموعه‌ای از ارتباطات عمومی بین مردمی و نوعی قرارداد اجتماعی می‌داند که هدف اصلی آن ارتقای رفاه و امنیت در سطح جامعه است و در جهت رسیدن به این هدف به رفتار افراد و شهروندان توجه می‌کند. همچنان‌که گیدنز امنیت را پدیده‌ای چند بُعدی در زندگی مردم و از وجوه اصلی توسعه اجتماعی تعریف می‌کند. شهروندی در آراء موريس جانوویتز، مجموعه تعهدات و حقوق مشخص واگذار شده در سه بخش شامل: الف) مجموع تعهدات دولت-ملت در دوره معاصر، ب) شهروندی به صورت یک قضاوت اخلاقی و خصایل

¹ Janoski

² support obligations

³ caring obligations

⁴ service obligations

⁵ protection obligations

فردی بعنوان یک شهروند خوب و واقعی. ج) شهروندی به صورت یک واژه تحلیلی مشتمل بر حمایت دولت و ایجاد فرصتهایی برای مشارکت سیاسی، می‌باشد. از دیدگاه مارشال نیز شهروندی شامل حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است، که آزادی فکر، مشارکت سیاسی و امکانات رفاهی و حمایتی از فرد و خانواده را شامل می‌شود. و در صورت‌بندی تکالیف و مسئولیت شهروندی جانوسکی تعهدات شهروندی نیز شامل تعهدات مراقبتی، خدماتی، حفاظتی و حمایتی آورده شده است.

با توجه به مطالعات انجام شده و بهره‌گیری از نظریه‌های ارائه شده در خصوص اهمیت امنیت اجتماعی، ابعاد شهروندی، مسئولیت و تعهدات شهروندی از نظر جانوسکی فرضیه‌های تحقیق و مدل علی به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

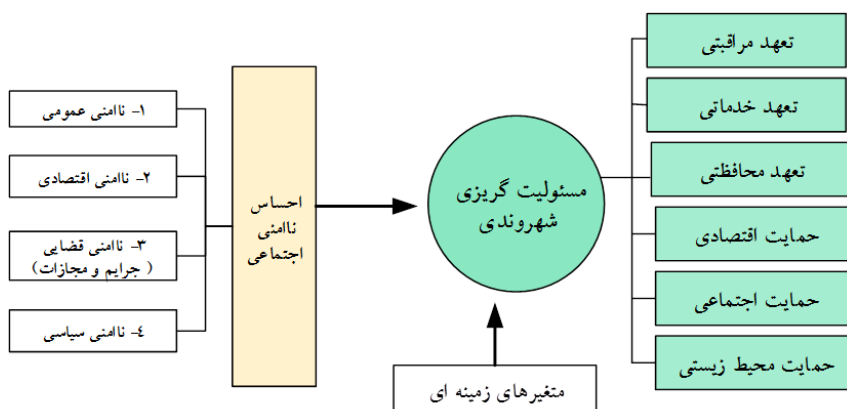
فرضیه‌های اصلی

۱- به نظر می‌رسد بین احساس ناامنی اجتماعی و میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

۲- به نظر می‌رسد بین ابعاد ناامنی اجتماعی (ناامنی عمومی، اقتصادی، قضایی و سیاسی) با میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی، زمینه‌ای

به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن، تحصیلات و درآمد) با میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.



نمودار ۱: مدل علی تحقیق



روش تحقیق

روش مورد نظر در تحقیق پیمایش است. در بخش نظری با توجه به مرور منابع و تحقیقات پیشین از روش اسنادی و کتابخانه‌ای بهره‌گیری شده و به منظور جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری شامل شهروندان بالای ۱۸ سال کلان‌شهر تهران است. حجم نمونه آماری براساس جمعیت آماری، خطای نمونه‌گیری، واریانس و فرمول نمونه‌گیری کوکران ۳۸۴ نفر برآورد شده که با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و انتخاب تصادفی افراد، پیمایش انجام پذیرفت. لازم به ذکر است به دلیل شیوع بیماری همه‌گیر کرونا در زمان انجام پژوهش که به شدت بر شرایط انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه اثرگذار بوده با ریزش پرسشنامه‌های ناقص جمعاً ۳۵۶ پرسشنامه تکمیل و مورد بررسی قرار گرفته است.

سنجش و تعریف عملیاتی متغیرها

متغیر وابسته: متغیر وابسته در این مقاله مسئولیت‌گریزی شهروندی است که در واقع تکالیف و وظایفی را شامل می‌شود که یک شهروند به واسطه شهروند بودنش نسبت به اجتماع، شهر و حتی گروهی که در آن زندگی می‌کند، بر عهده دارد. از طرفی فرد مسئول کسی است که عواقب رفتار خود را به عهده گرفته، قابل اتکا و قابل اعتماد است و احساس تعهد نسبت به گروه دارد (گاف^۱ به نقل از ایمان و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

مسئولیت شهروندی: مسئولیت شهروندی را می‌توان به خودآگاهی مردم به حقوق شهروندی و احساس نیاز همگانی برای اجرای این حقوق و مشارکت در آن تعریف و تعبیر کرد (نوروزی، ۱۳۸۵؛ به نقل از هزارجریبی و شالی، ۱۳۹۰). در این مطالعه منظور از مسئولیت شهروندی ارتباط با مفهوم شهروندی جمع‌گرایانه است به این معنی که تأکید بر مجموعه قواعد رفتاری، تکالیف و تعهداتی مدنظر است که هم از سوی دستگاه‌های رسمی و هم از سوی جامعه، صورت می‌پذیرد، در واقع انتظاراتی که به رعایت و اجرای آنان پرداخته می‌شود. تعریف مسئولیت‌گریزی شهروندی به‌طور مشخص تا کنون ارائه نشده است اما می‌توان با بهره‌گیری از مشخصه‌های شهروند فعال که مشارکت جو و حامی است و نسبت به خود و دیگری تعهد دارد این مفهوم را تعریف و هرگونه کوتاهی و گریز از حمایت‌ها و تعهدات شهروندی، را مسئولیت‌گریزی در نظر گرفت، تعهداتی که با توجه به نوع آن‌ها مراقبتی، حفاظتی و خدماتی در قالب یک متغیر عملیاتی کرد که در نمودار زیر ارائه شده است.

¹ Gough



نمودار ۲: تعریف عملیاتی مسئولیت‌گریزی شهروندی

تعریف مفهومی احساس ناامنی اجتماعی

در واقع امنیت اجتماعی به فقدان هراس از اینکه ارزش‌های انسانی مورد حمله قرارگیرد یا به مخاطره بیافتد و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع برمی‌گردد. احساس امنیت پدیده روان‌شناختی-اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد، که صرفاً بر افراد تحمیل نمی‌شود بلکه اکثر افراد جامعه بر اساس نیازها، علایق، خواسته‌ها و توانمندی‌های خود در ایجاد و یا از بین بردن آن سهم اساسی دارند (نویسنده، ۱۳۸۴: ۶۱). به‌عبارتی امنیت، اطمینان خاطر است که بر اساس آن افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق خود بیم و هراسی نداشته باشد و یک پدیده ادراکی و احساسی است (بوزان، ۱۳۷۸: ۲).



تعریف عملیاتی احساس ناامنی اجتماعی: احساس ناامنی بر اساس فقدان یا کمبود امنیت در جامعه نمایان می‌شود و منابع تامین کننده احساس امنیت برای افراد و گروه‌های مختلف جامعه نیز متفاوت از یکدیگر است که این منابع در سه سطح کلان، میانی و خرد اثرگذار می‌باشند. در این تحقیق موضوع ناامنی بیشتر از منظر اجتماعی مورد نظر است و در چهار بُعد ناامنی عمومی، اقتصادی، قضایی و سیاسی، در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) سنجیده می‌شود که در ادامه به هر یک از ابعاد پرداخته شده است.



نمودار ۳: تعریف عملیاتی متغیر احساس ناامنی اجتماعی

برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق از طیف لیکرت و مقیاس فاصله‌ای استفاده شده است. به منظور بررسی پایایی^۱ مقیاس‌های تحقیق از شاخص همبستگی درونی مقیاس اندازه‌گیری (آلفای-کرونباخ) استفاده شد. به این ترتیب که پرسش‌نامه طراحی شده در میان ۳۵ نفر (حدود ۱۰ درصد) از شهروندان توزیع گردید و پس از گردآوری داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS میزان سازگاری درونی گویه‌ها محاسبه گردید، گویه‌هایی که دارای همبستگی پایینی بوده و یا برای مخاطبین گنگ و نامفهوم بود حذف شده و در نهایت گویه‌های با ضریب پایایی بالا مشخص گردیدند که در جدول شماره ۱ آورده شده است، همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، بررسی ضرایب

¹ Reliability



آلفا بدست آمده (جدول شماره ۱) گویای انسجام درونی بالای گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرهای تحقیق است.

جدول ۱: ضرایب آلفای متغیرهای تحقیق

پایایی	تعداد گویه	متغیر	
٪۸۲	۳۰ گویه	مسئولیت‌گریزی شهروندی	
٪۷۵	۱۷ گویه	عمومی	احساس امنیت اجتماعی (شامل ۴ بُعد)
		اقتصادی	
		قضایی	
		سیاسی	

یافته‌های تحقیق

نتایج توصیفی

توصیف متغیرهای زمینه‌ای: در این تحقیق علاوه بر تلاش برای تبیین رابطه احساس ناامنی اجتماعی و مسئولیت‌گریزی شهروندی، سعی شده است، ارتباط با برخی از متغیرهای زمینه‌ای؛ جنسیت، سن، تاهل و تحصیلات مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، وضعیت پاسخ‌گویان تحقیق از لحاظ جنسیت ۵۱،۴ درصد مرد و ۴۸،۳ درصد زن، از لحاظ سنی بیشترین فراوانی گروه سنی مربوط به گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ ساله است که ۳۷ درصد را شامل می‌شود. همچنین کمترین گروه سنی با فراوانی ۷،۳ درصد مربوط به افرادی است که ۱۸ سال سن داشته‌اند، بالاترین سن ۶۵ سال به بالا و میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۳ سال است. ارقام توصیفی مربوط به تاهل نیز بیانگر آن است که ۴۷ درصد را متاهلین، ۴۵،۲ درصد مجردین و ۵،۶ درصد را مجرد جداشده از همسر و ۱،۱ درصد همسر فوت شده هستند. در رابطه با وضعیت تحصیلی نیز بیشترین فراوانی پاسخ‌گویان مربوط به گروهی که دارای مدرک فوق دیپلم یا لیسانس بوده‌اند (مجموعاً ۴۶،۲۴ درصد)، ۲۸،۶ درصد کارشناسی ارشد و کمترین فراوانی ۹،۲ درصد زیر دیپلم و ۳،۲۸ درصد دارای مدرک دکتری و بالاتر هستند.

در توصیف آماری متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق با توجه به توزیع فراوانی و کمترین و بیشترین نمره تعریف شده این متغیرها، طبقه بندی انجام پذیرفته است، (برای متغیر مسئولیت‌گریزی شهروندی با محدوده حداقل نمره قابل دریافت ۳۰ و حداکثر نمره قابل دریافت ۱۵۰)، به پنج سطح طبقه بندی شده‌اند که نتایج در جدول (شماره ۲) نشان داده شده است. برای متغیر مستقل احساس ناامنی اجتماعی و ابعاد آن، طبقه بندی در سه سطح انجام شده است، که در جدول (شماره ۳) ارائه می‌گردد.



جدول ۲: توزیع فراوانی سطوح متغیر وابسته مسئولیت‌گریزی شهروندی

مسنولیت‌گریزی شهروندی	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۱,۱	٪۱,۱
کم	٪۲۴,۷	٪۲۵,۸
متوسط	٪۶۵,۷	٪۹۱,۶
زیاد	٪۸,۴	٪۱۰۰
خیلی زیاد	-	-
میانگین رتبه ای	۲,۸۲	

جدول ۳: میانگین ابعاد و سطح احساس ناامنی اجتماعی

سطح احساس ناامنی اجتماعی و ابعاد	کم	متوسط	بالا	کل	میانگین رتبه‌ای
احساس ناامنی اجتماعی	٪۰,۶	٪۵۸,۷	٪۴۰,۷	۱۰۰	۲,۴۰
ابعاد احساس ناامنی اجتماعی	۱۱,۲	۷۱,۹	۱۶,۹	۱۰۰	۲,۰۵
	۱,۱	۵۷	۴۱,۹	۱۰۰	۲,۴
	۱,۴	۲۶,۷	۷۱,۹	۱۰۰	۲,۷
	۰,۸	۱۷,۴	۸۱,۷	۱۰۰	۲,۸

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد: ۶۵,۷ درصد از پاسخ‌گویان به طور متوسط مسئولیت‌گریز هستند، ۸,۴ درصد مسئولیت‌گریزی بالایی داشته، و مجموعاً ۲۵,۸ درصد در سطح مسئولیت‌گریزی پایین قرار می‌گیرند. بر اساس نتایج جدول شماره ۳: نمرات مربوط به متغیر احساس ناامنی اجتماعی و ابعاد آن، نشان می‌دهد، ۰,۶ درصد از پاسخ‌گویان احساس ناامنی اجتماعی را در سطح پایین، ۵۸,۷ درصد در سطح متوسط و ۴۰,۷ درصد میزان احساس ناامنی اجتماعی را در سطح بالا اعلام نمودند، میانگین رتبه‌ای حاصله این متغیر برابر ۲,۴۰ است که مبین آن است که میزان احساس ناامنی اجتماعی در بین پاسخ‌گویان در سطح متوسط رو به بالا به دست آمده است. در نتایج مربوط به ابعاد احساس ناامنی اجتماعی میانگین رتبه‌ای هر بعد نیز نشان می‌دهد که بیشترین میزان احساس ناامنی اجتماعی مربوط به بُعد سیاسی و قضایی است و میزان احساس ناامنی عمومی از سطح مطلوبتری نسبت به سایر ابعاد را داراست (نتایج توصیفی ابعاد به تفکیک میزان در جدول شماره ۳ آورده شده است). به طور کلی می‌توان گفت میزان احساس ناامنی اجتماعی و ابعاد مربوطه از نظر پاسخ‌گویان در سطح متوسط به بالا به دست آمده است.

یافته‌های استنباطی

در بخش استنباطی تحقیق با انجام آزمون فرضیه‌ها و بررسی روابط همبستگی بین متغیرهای تحقیق و ابعاد آن تبیین و با ارائه مدل رگرسیونی و تحلیل مسیر ضریب تاثیر متغیرها تحلیل انجام شده است.

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد بین میزان احساس ناامنی اجتماعی و مسئولیت‌گریزی شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴: همبستگی احساس ناامنی اجتماعی و مسئولیت‌گریزی شهروندی

متغیر	احساس ناامنی اجتماعی
همبستگی پیرسون	۰,۳۰
سطح معناداری	۰,۰۰
تعداد	۳۵۶

خروجی همبستگی بین احساس ناامنی اجتماعی و مسئولیت‌گریزی شهروندی نشان می‌دهد که ارتباط معناداری با شدت نسبتاً متوسط و هم جهت وجود دارد، به عبارتی با افزایش میزان احساس ناامنی اجتماعی، مسئولیت‌گریزی شهروندی نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه ۲: به نظر می‌سد بین ابعاد ناامنی اجتماعی (ناامنی عمومی، اقتصادی، قضایی و سیاسی) با میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین به منظور بررسی روابط بین ابعاد احساس ناامنی اجتماعی و میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی، همبستگی پیرسون انجام گرفته، که نتایج حاصله در جدول شماره ۵، آورده شده است.

جدول ۵: همبستگی ابعاد احساس ناامنی اجتماعی و مسئولیت‌گریزی شهروندی

ابعاد احساس ناامنی اجتماعی				بررسی میزان همبستگی متغیر وابسته و ابعاد متغیر مستقل	
ناامنی سیاسی	ناامنی قضایی	ناامنی اقتصادی	ناامنی عمومی	همبستگی پیرسون	مسئولیت‌گریزی شهروندی
۰,۲۸	۰,۲۶	۰,۲۵	۰,۰۵	سطح معناداری	
۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۳	تعداد	
۳۵۶	۳۵۶	۳۵۶	۳۵۶		

همان‌طور که نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، بین بُعد ناامنی عمومی و مسئولیت‌گریزی شهروندی رابطه معناداری وجود ندارد، و بین ابعاد ناامنی اقتصادی، ناامنی قضایی و ناامنی سیاسی در سطح ۹۵٪ ارتباط معنادار و هم جهتی وجود دارد. به عبارتی هرچه میزان احساس ناامنی اقتصادی، قضایی و سیاسی افزایش یابد مسئولیت‌گریزی شهروندی افزایش می‌یابد.

از آنجا که میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بعنوان یک متغیر واسطه بر میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی موثر است این متغیر با ۴ گویه و در سطح سنجش لیکرت را نیز وارد



شده است. نتایج همبستگی بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و مسئولیت‌گریزی شهروندی با ضریب $-0,29$ و $\text{Sig}=0,00$ و با جهت‌های ناهمسو معنا دار است، به عبارتی با افزایش میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی، مسئولیت‌گریزی شهروندی کاهش می‌یابد. در آمار توصیفی این متغیر، سطح آگاهی از حقوق شهروندی پاسخ‌گویان، با میانگین $1,8$ نزدیک به متوسط بوده است (۳) فرضیه‌های مربوط به متغیرهای زمینه‌ای: به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن، تحصیلات و درآمد) با میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶: رابطه بین جنسیت و میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی

سطح معناداری	میانگین	تعداد	جنسیت	
۰,۲۷	۸۵,۴	۱۸۳	مرد	مسئولیت‌گریزی شهروندی
	۸۴,۰۲	۱۷۲	زن	

جدول ۷: رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی

درآمد	تحصیلات	سن		
۰,۱۰	-۰,۲۰	-۰,۰۲	همبستگی پیرسون	مسئولیت‌گریزی شهروندی
۰,۷۰	۰,۰۰	۰,۶۹	سطح معناداری	
۳۵۰	۳۵۵	۳۵۵	تعداد	

در بررسی متغیرهای زمینه‌ای پاسخ‌گویان رابطه معناداری بین سن، جنسیت و درآمد افراد با میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی، وجود ندارد. در حالی که سطح تحصیلات با میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی رابطه معنادار داشته است. به عبارتی هرچه سطح تحصیلات افراد افزایش یابد، مسئولیت‌گریزی شهروندی کاهش می‌یابد.

بررسی روابط چند متغیره و علی بین متغیرهای تحقیق نیز تا حد زیادی مطابق با نتایج آزمون همبستگی و تحلیل‌های دو متغیره است. جدول (شماره ۸) روابط بین متغیرهای مدل مسیر تحقیق را نشان می‌دهد.

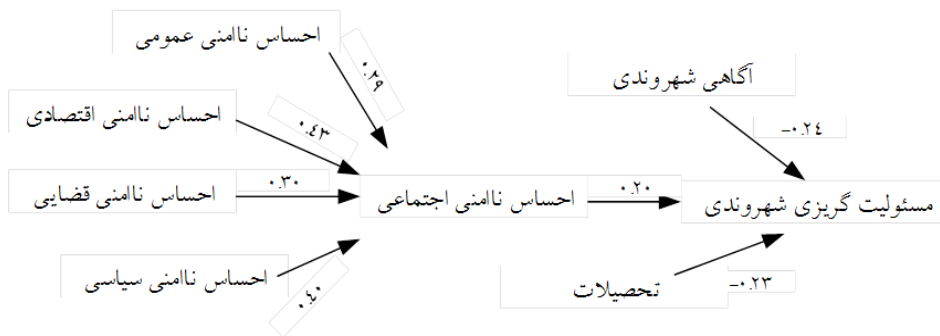
جدول ۸: جدول ضریب تبیین متغیرهای مستقل بر مسئولیت‌گریزی شهروندی

R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۰,۳۸۴	۰,۱۴۸	۰,۱۳۳	۱۰,۹۰۳

جدول ۹: ضرایب رگرسیون متغیرهای اثرگذار بر مسئولیت‌گریزی شهروندی

منغیر مستقل	بی	خطای استاندارد	بتا	مقدار تی	معنی داری
احساس ناامنی اجتماعی	۰,۳۲	۰,۱۱	۰,۲۰	۲,۹۶	۰,۰۰۳
آگاهی از حقوق شهروندی	-۱,۱۱	۰,۳۱	-۰,۲۴	-۳,۵۱	۰,۰۰۱
تحصیلات	-۰,۶۶	۰,۲۰۵	-۰,۲۳	-۳,۲۵	۰,۰۰۱
مسئولیت‌گریزی شهروندی: متغیر وابسته					

نتایج جداول شماره ۸ و ۹، نشان می‌دهند که متغیرهای احساس ناامنی اجتماعی، آگاهی از حقوق شهروندی و میزان تحصیلات تأثیر مستقیم و معنادار بر روی بر مسئولیت‌گریزی شهروندی دارند و در مجموع ۳۸ درصد میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی را تبیین می‌نمایند. نمودار شماره ۳ ضرایب تاثیر متغیرهای اثرگذار بر متغیر وابسته (مسئولیت‌گریزی) به تصویر می‌کشد.



نمودار ۳: ضرایب رگرسیونی متغیرها

با مقایسه نتایج آزمون فرضیه‌ها و مدل مسیر تحقیق می‌توان استنتاج کرد که احساس ناامنی اجتماعی (با ضریب ۰.۲۰)، میزان آگاهی شهروندی (با ضریب ۰.۲۴) و تحصیلات (با ضریب ۰.۲۳) از عوامل تأثیرگذار بر میزان احساس ناامنی اجتماعی در بین شهروندان تهرانی هستند. علاوه بر آن در بررسی روابط اثرگذار ابعاد احساس ناامنی اجتماعی، میزان احساس ناامنی اقتصادی (با ضریب ۰.۴۳) بیشترین تأثیر را داشته و به ترتیب احساس ناامنی سیاسی (با ضریب ۰.۲۹)، قضایی (با ضریب ۰.۳۰) و عمومی (با ضریب ۰.۲۹) دارای تأثیرات کمتری می‌باشند.

نتیجه‌گیری

بدون شک مسئولیت‌پذیر بودن شهروندان یک جامعه در رشد و توسعه شهری و شهروندی تأثیر به‌سزایی داشته، و در مقابل مسئولیت‌گریزی چه به لحاظ ساختاری و در سطح کلان و چه در سطح خرد و توسط کنشگران، اشکالاتی را در تحقق سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های یکپارچه مدیریت شهری، توسعه اجتماعی- فرهنگی و کیفیت زندگی شهروندان به وجود خواهد آورد. شواهد حاکی از آن است که با رشد شهرها و گسترش شهرنشینی، تحقق حقوق شهروندی و در مقابل آن مسئولیت و تکالیف شهروندی و مدنیت با چالش‌های جدی مواجه شده و مسایل و آسیب‌های اجتماعی متعددی را به ویژه در کلان‌شهرها پدید آورده است. براساس آخرین گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۲۰^۱ کشور ایران بر مبنای شاخص توسعه انسانی در رتبه ۷۰ در میان ۱۸۹ کشور قرار دارد، همچنین به طور مجزا در ارتباط با شاخص امنیت انسانی و شاخص رفاه اجتماعی

¹ <http://hdr.undp.org/en/content/human-development-index-hdi>



نیز در زمره کشورهای توسعه یافته جای می‌گیرد. با این وجود نکته قابل تامل رابطه میان میزان احساس ناامنی اجتماعی و مسئولیت‌گریزی شهروندی است که نتایج آن می‌تواند مبنای سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در بهبود کیفیت زندگی ساکنان شهرها شود. افزون بر آن با شناسایی عوامل تاثیرگذار بر مسئولیت‌گریزی می‌توان در ارائه راه‌کارهای مناسب جهت ارتقاء وضعیت جامعه در راستای مسئولیت‌پذیری و مشارکت در امور شهری و تحقق شهروندی شهروندان گام‌های موثر برداشت.

با استناد به دیدگاه‌ها و نظریه‌ها و تجارب تحقیقاتی پیشین مدل علی احساس ناامنی اجتماعی در ۴ بعد به عنوان متغیر مستقل اصلی در کنار متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن، تحصیلات و درآمد) و میزان آگاهی شهروندان به عنوان متغیر میانجی یا واسطه، مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی در بین افراد مورد مطالعه از حد متوسط بالاتر بوده و میزان احساس ناامنی اجتماعی نیز همین وضعیت را داشته است در حالی که در ارتباط با سایر متغیرها وضعیت مطلوبی گزارش نشده است. در تبیین روابط میان متغیرها، میزان احساس ناامنی اجتماعی، آگاهی شهروندی و تحصیلات با میزان مسئولیت‌گریزی شهروندی دارای رابطه معنا دار بوده و از آنها تاثیر پذیرفته اما جنسیت، سن، و درآمد بر مسئولیت‌گریزی شهروندی اثر گذار نبوده است.

طبق نتایج رگرسیون چند متغیره، ضریب تبیین متغیرهای اثرگذار (احساس ناامنی اجتماعی، میزان آگاهی شهروندی و تحصیلات) $R=0,38$ به دست آمده و ضرایب تاثیر متغیرها نیز اختلاف چندانی با یکدیگر نداشته و به ترتیب آگاهی شهروندی ۲۴٪، میزان تحصیلات ۲۳٪ و احساس ناامنی اجتماعی ۲۰٪ نقش خود را آشکار کرده‌اند. بنابراین می‌توان اظهار داشت با افزایش سطح تحصیلات و ارتقاء آگاهی شهروندی افراد، مسئولیت‌گریزی در میان آنان کاهش می‌یابد و با احساس ناامنی اجتماعی بیشتر در جامعه، افراد مسئولیت‌گریزتر خواهند شد و در نتیجه شرایط نامطلوبی را برای دیگران به وجود خواهند آورد. در زمینه تاثیر ابعاد احساس ناامنی اجتماعی بر مسئولیت‌گریزی شهروندی نیز به ترتیب بیشترین اثرگذاری به احساس ناامنی اقتصادی، سپس احساس ناامنی سیاسی و قضایی و پس از آن به احساس ناامنی عمومی مربوط بوده است. این نتایج نشان می‌دهد عوامل کلان و ساختاری نقش تعیین کننده‌تری نسبت به متغیرهای خرد بر مسئولیت‌گریزی شهروندان دارند که مستلزم سیاستگذاری و اجرای برنامه‌های مناسب است. بر اساس یافته‌ها میزان درآمد، سن و جنسیت افراد بر مسئولیت‌گریزی شهروندی چندان موثر نبوده، اما سطح تحصیلات توانسته مسئولیت‌گریزی شهروندی را متاثر سازد. نکته مهم در این مطالعه دستیابی به تعیین نقش عوامل کلان و ساختاری در ارتقاء مسئولیت‌پذیری افراد است که تامین کننده احساس امنیت اجتماعی (در بُعد اقتصادی، سیاسی و قضایی) است به طوری که با برقراری امنیت می‌توان انتظار پایبندی بیشتر اعضای جامعه را به هنجارها و تعهدات داشت و در پی آن پیشگیری را بر مقابله مقدم دانست تا محور برنامه‌ریزی‌های اجتماع محور قرار گیرد و زمینه را برای



مشارکت شهروندان فراهم آورد بدیهی است آگاهی شهروندی به مثابه عامل واسطه‌تأثیر کلیدی خواهد داشت.

نتایج به دست آمده از پژوهش در انطباق با مطالعه هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۹)، نشان می‌دهد برای شکل گرفتن امنیت اجتماعی تعریف و رعایت شهروندی الزامی است و تحقق امنیت اجتماعی (در دو بعد عینی و ذهنی) نیز نیازمند دو عنصر حقوق افراد و تکالیف آن‌ها است. در این مطالعه یافته ارتباط حقوق شهروندی و ابعاد آن، با امنیت اجتماعی نیز همانند پژوهش ابراهیمیان و لطفی (۱۳۹۸)، اثبات شده است. جین جکوبز^۱ (۱۳۸۶)، در پرداختن به مسئله امنیت و عوامل بازدارنده کالبدی، بیان می‌دارد که، آرامش فضای شهری ابتدا به وسیله شبکه ناخودآگاه و پیچیده اجتماعی ایجاد شده و با استانداردهای موجود میان مردم حفظ می‌شود که در این مطالعه نیز به آن دست یافتیم. پلنت ریموند^۲ (۲۰۰۳)، ایده شهروندی را در اصلاحات رفاهی دولت کار می‌داند که مانند یافته‌های پژوهش بر عوامل ساختاری دلالت دارد. در تایید نقش حقوق فردی در تولید شهروندی فعال به زعم توماس کوتکاس^۳ (۲۰۱۰) هم نتایج مشابه در تأثیر آگاهی حاصل شده است. نتایج به دست آمده در همسویی با لهسایبی‌زاده (۱۳۹۱)، در ارتباط با مسئولیت و وظایف شهروندی که قانون‌گریزی در عرصه‌های مختلف جامعه به خصوص در زندگی شهری و قوانین شهروندی مطرح کرده به دست آمده است.

به این ترتیب می‌توان بیان داشت عوامل خرد و کلان در انجام وظایف و مسئولیت‌های شهروندی سهیم هستند و موجبات قانون‌گریزی را فراهم می‌آورند. از جمله رابطه میان ناامنی اجتماعی و مسئولیت‌گریزی شهروندی به‌ویژه بُعد ناامنی اقتصادی بر این مهم تأکید دارد که ضعف اقتصادی و فقر در جامعه، عدم حمایت‌های اقتصادی از سرمایه‌گذاران و کارآفرینان در کنار خبرهای فساد اقتصادی و اختلاس‌ها وضعیتی آنومیک را در جامعه ایجاد می‌کند با احساس ناامیدی و یأس از یکسو و عدم تعهد و مسئولیت‌گریزی از دیگرسو همراه خواهد بود. همچنین احساس ناامنی قضایی و عدم برخورد جدی و سریع با متخلفان به‌ویژه مفسدان اقتصادی احساس ناامنی را تشدید خواهد کرد. در این بستر و شرایط افزایش جرایم، افزایش روند انجام کارهای خارج از ضابطه، تخلفات شهروندی و مسئولیت‌گریزی افزایش یافته و چنانچه تدبیری برای تغییر روند فرایند در حال رشد آن اتخاذ نشود مسئولیت‌گریزی‌های بیشتری از سوی شهروندان پدیدار خواهد شد. که در این راستا راه‌کارها و پیشنهادهایی مطرح می‌گردد:

۱- درحوزه توسعه اقتصادی، و اعتماد اقتصادی- اجتماعی، برنامه‌های میان مدت و بلند مدت قابل اجرا و عملیاتی در سیاستگذاری‌های دولت تدوین شود، به صورتی که هم بستر حمایت اقتصادی و شفاف سازی را فراهم سازد و این‌که با اعتماد و مشارکت در قالب بنگاه‌های اقتصادی انگیزه کارآفرینی و اشتغال را به وجود آورد به صورتی که ذهنیت را از نوکیسه‌گرایی و رشد چندین

¹ Jane Jacobs

² Plant Raymond

³ Kotkas



درصدی یک‌باره سرمایه‌های مادی مانند سودهای بانکی و ... خارج شده و توسعه پایدار اقتصادی تحقق پذیرد. به‌طور مثال در این زمینه می‌توان بسترها و فضاهایی با هزینه‌های پایین و به نوعی اجاره‌بهای کم در اختیار کارآفرینان، فارغ‌التحصیلان و نخبگان قرار داده و به ازای توسعه و خروجی‌های کارآمد مدت زمان بهره‌برداری این فضاها یا بنگاه‌های تمدید گردد. در خصوص شرکت‌ها و مراکزی که وام‌های کلان حمایتی جهت سرمایه‌گذاری انجام خدمت و یا طرح عملیاتی دریافت می‌نمایند، به‌طور منظم پیگیری و روند انجام کار مورد نظارت قرار گیرد. همچنین پروژه‌های ناتمام، کارگاه‌ها یا کارخانجات ورشکسته به حال خود رها نشده و مورد بررسی و تعیین تکلیف قرار گیرند. گاهی اوقات در برخی شهرک‌های صنعتی این رها شدگی‌ها کارخانجات را به سوله‌های ساخته شده تزئینی تبدیل نموده است.

۲- با رسیدگی به موقع و سریع به تخلفات و جرائم افراد به دور از جایگاه، منزلت و یا پست آنها، همه در برابر قوانین یکسان دانسته شوند، تا نسبت به اعمالشان مسئول شمرده شوند. همچنین در این بخش با توسعه زیرساخت‌های مجازی و هوشمند و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین می‌توان مدت زمان رسیدگی به تخلفات را کاهش داد که این خود نمود عینی از کارآمدی دستگاه قضایی در سطح جامعه به شمار رفته و با نظارت بر حسن اجرای قوانین حس امنیت اجتماعی و به دنبال آن مسئولیت‌پذیری را پررنگ خواهد نمود. در این زمینه می‌توان به تقویت بسترهای مجازی ارتباطات مردمی اشاره نمود و همچنین بکارگیری منشی‌های مسلط به سامانه مجازی و یا کارشناسان مربوطه در یکپارچه‌سازی و الکترونیکی نمودن امورات دادرسی از مرحله تشکیل پرونده تا اعلام نتیجه بهره گرفت. همچنین در دسته بندی جرایم، کلاهبرداری‌های موازی، کاهش مدت زمان رسیدگی، شناسایی مجریم و مطلع بودن سایر قضات از پروفایل مربوط به یک پرونده در امور مربوطه شفاف سازی نمود و پیگیری و رسیدگی را تسریع بخشید.

۳- در زمینه آگاهی شهروندی به عنوان متغیر کلیدی با ارائه آموزش‌های شهروندی منسجم و اصولی در مدارس و کسب تجربه مشارکت میزان آشنایی و آگاهی شهروندان را از همان سال‌های ابتدایی با مسئولیت‌ها و تعهداتشان در برابر حقوق شهروندی ارتقاء داده تا حس مسئولیت اجتماعی و شهروندی نهادینه گردد. از جمله ایجاد محیط یادگیری مناسب در خصوص مفاهیم و اصول شهروندی در مدارس به‌ویژه در ساعات برنامه‌های مهارتی و پرورشی.

۴- توجه به فرآیندهای شکل‌گیری مسئولیت‌گریزی در کنار عوامل ساختاری و ایجاد فضای اظهارنظر برای شهروندان، امکان دسترسی به آمار و عملکرد نهادها و موسسات (دولتی-خصوص) در راستای شفاف‌سازی، و همچنین مشارکت شهروندان، نخبگان، اساتید و متخصصین در تصمیمات مدیریتی به‌ویژه مدیریت امور شهری، راه کار دیگری برای ارزش مسئولیت و تعهد در بین افراد جامعه خواهد بود. در خاتمه، از آنجا که موضوع مسئولیت‌گریزی ته نشستی از عوامل تاریخی، اجتماعی-اقتصادی، روان‌شناختی و حتی فرهنگی به شمار می‌رود و موضوعی چند علیتی است پیشنهاد می‌گردد؛ این موضوع نیز از منظر سایر متخصصان حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی مورد کاوش و پژوهش قرار گیرد.



- ابراهیمیان، حجت‌اله. لطفی، توکل (۱۳۹۸). «مطالعه رابطه حقوق شهروندی با امنیت اجتماعی، مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران». فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- ایمان، محمد تقی. مرادی، گلمراد. جلائیان و جیهه. (۱۳۸۹). «بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی جوانان و احساس امنیت اجتماعی». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، تهران.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). «مردم، دولتها و هراس، گزیده مقالات سیاسی، امنیتی-پژوهشکده مطالعات راهبردی»، چاپ دوم.
- توسلی، غلامعباس. نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۲). «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۵۵، ش ۲.
- جیکوبز، جین (۱۳۸۶). «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی». ترجمه: حمیدرضا پارسی، آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فالکس، کیث (۱۳۸۴). «شهروندی»، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- فتحی، سروش. ثابتی، مریم. (۱۳۹۱). «توسعه ساختار سازمانی شهری و گسترش فرهنگ شهروندی»، فصلنامه مطالعات شهری، سال ۲، شماره ۲.
- فتحی و اجارگاه، کورش. واحدچوکده، سکینه، (۱۳۸۸). «آموزش شهروندی در مدارس»، چاپ اول، تهران. انتشارات کتابیران.
- لهستانی زاده، عبدالعلی. (۱۳۹۱). «نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین»، فصلنامه مطالعات شهری. سال ۲، شماره ۳.
- نوروزی، فیض‌اله، فولادی سپهر، سارا. (۱۳۸۸). «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل موثر بر آن»، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳.
- نوروزی، کامبیز. (۱۳۸۵). «حق شهروندی، مسئولیت مشترک دولت-ملت»، نشریه نامه، شماره ۵۳.
- نوید نیا، منیژه. (۱۳۸۲). «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹.
- هزار جریبی، جعفر. صرفی شالی، رضا. (۱۳۸۹). «بررسی تعامل دو مفهوم شهروندی و امنیت اجتماعی»، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال سوم، شماره ۳.

- Janowitz, M. (1978). The Last Half-century: Societal change and Politics in America. Chicago: The University of Chicago.
- Kotkas, T. Governing Health and Social Security in the Twenty-First Century: Active Citizenship Through the Right to Participate. Law Critique 21, 163-182 (2010). <https://doi.org/10.1007/s10978-010-9071-0>
- Lister, R. (1997). "Citizenship: Towards a feminist synthesis". Feminist Review 57: 28-47.



- McLaughlin T.H. (2011). Citizenship, diversity and education: A philosophical perspective. In David Carr, Mark Halstead & Richard Pring (Eds.), Liberalism, education and schooling: Essays by T.H. McLaughlin (pp.4-95). Exeter: Imprint Academic
- Mitar, Miran. (1996). Assessment of societal security in recent past and today. college of police and security studies Slovenia. PP: 51-63.
- Sheehan, Michael. (2005). International Security, an Analytical survey. London, Lynne Rienner Publishers.
- Raymond Plant (2003). "Citizenship and Social Security", Institute for Fiscal Studies. Volume 24, 2:153-166. Onlinelibrary.
- <https://www.imna.ir/photo/487454>
- <https://www.transparency.org/en/cpi/2020/index/nzl>
- <http://hdr.undp.org/en/content/human-development-index-hdi>